خبر

دستورویژه پوتین درباره تأمین مواد غذایی از ایران

● **باشگاه خبرنگاران:** معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع انسانی استانداری تهران گفت: دستور ویژه پوتین برای تأمین ۲۰درصدی مواد غذایی و تولیدات صنعتی روسیه از ایران، فرصتی ویژه به‌شمار می‌رود.محمد امامی‌امین، معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع انسانی استانداری تهران، اظهار کرد: پوتین به‌صورت ویژه دستور داده که تجار روس،۲۰ درصد از نیاز کشورش را در بخش مواد غذایی و تولیدات و محصولات صنعتی از ایران تأمین کنند که ارزش مالی آن، حدود ۴۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود، اما اکنون تراز تجاری ما با این کشور، ۵۰۰ میلیون دلار است.او بیان کرد: در همسایگی ما، سهم تجارت کشوری مانند ترکیه با روسیه، ۴۰ میلیارد دلار است، آن هم در شرایطی که بُعد مسافت این دو کشور، دو برابر ایران است.

موافقت قطر با یادداشت تفاهم حمل‌ونقل و ترانزیت با ترکیه و ایران

● کابینه قطر روز چهارشنبه، یادداشت تفاهم حمل‌ونقل و ترانزیت با ایران و ترکیه را به تصویب رساند.به گزارش پایگاه الخلیج الجدید، نهاد زیچکی، وزیر اقتصاد ترکیه، روز چهارشنبه هجدهم مردادماه گفت که آنکارا، دوحه و تهران به یک توافق شفاهی درباره ارسال کالا از ترکیه به قطر از طریق خاک ایران دست یافته‌اند.براساس این توافق، کالاها ابتدا از طریق ترکیه به بندرهای ایران منتقل شده و سپس این محموله‌ها از طریق کشتی به قطر انتقال داده می‌شود.چهار کشور عربستان سعودی، امارات، بحرین و مصر از چند ماه قبل ارتباط خود را با قطر قطع کردند و خواسته‌هایی مطرح کردند، از جمله قطع ارتباط با ایران و قطع کمک به گروه‌هایی که به اعتقاد این کشورها تروریستی هستند. قطر این خواسته‌ها را رد کرده است. کویت از زمان این اختلافات، نقش میانجی را بین دو طرف دارد.

سیف: بحران حساب‌های بانکی ایرانیان در چین برطرف شد

● **پایگاه اطلاع‌رسانی دولت:** رئیس کل بانک مرکزی گفت: درحال‌حاضر بحران ایجادشده برای حساب‌های بانکی ایرانیان در چین برطرف شده است، اما انتظار شرایط بهتری داریم؛ به‌طوری‌که ایرانیان بتوانند با آرامش فعالیت‌های بانکی خود را ادامه دهند. ولی‌اله سیف، با بیان اینکه چین روابط خوبی در گذشته و در زمان تحریم‌ها با ایران داشت، گفت: چین یکی از کشورهایی بود که بسیاری از مشکلات ایران را از طریق همکاری‌های مثبت حل کرد، این روابط بعد از برجام هم استمرار پیدا کرد و با فضای جدید هم افزایش می‌یابد.سیف افزود: یکی از نکاتی که می‌تواند در این مسیر کمک کند، بحث روابط بانکی است، متأسفانه روابط بانکی ایران با چین به نحوی مورد انتظار، توسعه پیدا نکرده است.

فاینانس خرید کشتی توسط بانک‌های خارجی نهایی شد

● **تسنیم:** مدیرعامل کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران، از تأمین فاینانس ۵۰۰میلیون‌دلاری خرید کشتی از سوی بانک‌های خارجی خبر داد.محمد سعیدی اظهار کرد: الان با سه خط مهم کشتی‌رانی دنیا همکاری مشترک داریم و در واقع سرویس مشترکی را با همدیگر انجام می‌دهیم.او با اشاره اینکه فرایند فاینانس خرید کشتی نهایی شده است، تصریح کرد: فاینانس مورد نظر درباره ۱۰ فروند کشتی نهایی شده است.سعیدی، با بیان اینکه ارزش این قرارداد حدود ۷۰۰ میلیون دلار است، گفت: حدود ۵۰۰ میلیون دلار از منابع مورد نیاز از طریق بانک‌های کره‌ای تأمین می‌شود.

حجم نقدینگی در ایران چقدر است؟

● **ایرنا:** نقدینگی در پایان تیر ماه امسال با رشد ۶،۴درصدی نسبت به آغاز بهار امسال به ۱۳۳۳۷،۴هزار میلیارد ریال رسیده و رشد یک‌ساله آن ۲۳،۳ درصد بوده است.گزیده‌های آماری بانک مرکزی نشان می‌دهد، سهم پول از نقدینگی کشور در پایان تیرماه ۱۵۹۵،۱هزار میلیارد ریال و سهم شبه پول ۱۱۷۴۲،۳هزار میلیارد ریال بوده است.براساس آمارهای ارائه‌شده از سوی بانک مرکزی، بدهی دولت به نظام بانکی که شامل اوراق مشارکت نیز می‌شود، در پایان تیرماه به عدد ۲۳۱۶،۸ هزار میلیارد ریال رسید که از ابتدای امسال ۵،۴ درصد و در یک‌سال منتهی به پایان تیر امسال ۱۷،۹ درصد رشد نشان داد.براساس اعلام بانک مرکزی میزان بدهی بخش دولتی به این بانک در پایان تیرماه ۶۲۰ هزار میلیارد ریال و بدهی بانک‌ها ۱۰۷۸،۷ هزار میلیارد ریال رسیده است که به ترتیب در یک دوره یک‌ساله منتهی به تیرماه بدهی دولت ۰،۳ درصد کاهش و بدهی بانک‌ها ۱۸،۷ درصد افزایش داشته است.نگاهی به وضعیت دارایی‌های خارجی بانک مرکزی نیز نشان می‌دهد این شاخص در مدت یادشده به ۳۴۶۵،۱ هزار میلیارد ریال و حجم اسکناس و مسکوک به ۶۹،۹ هزار میلیارد ریال رسید.

روحانی به چین نزدیک شود

ادامه از صفحه ۵

به نظرم در درجه اول، چین می‌تواند گزینه مناسبی باشد، زیرا مصرف‌کننده بزرگی است و می‌بینیم چقدر عربستان همکاری‌هایش را با چین گسترش داده و عقب‌نشینی هم نمی‌کند و دائما در حال افزایش همکاری با این کشور است. مورد بعدی هند و کشورهای اروپایی هستند. ما می‌توانیم از نفت به‌عنوان وسیله‌ای برای انجام پروژه‌های بزرگ استراتژیک در مسئله کشاورزی قطره‌ای و شیرین‌کردن آب دریا که به نظر می‌رسد درحال‌حاضر اصلی‌ترین مسئله ماست و همین‌طور از منابع نفت و گاز به‌عنوان وسیله تبدیل سیستم حمل‌ونقل ایران از وضعیت فعلی به حمل‌ونقل ریلی استفاده کنیم و در این راه از سرمایه و توانایی تکنولوژیکی کشورهایی که هم می‌خواهند سهمی در این امر داشته باشند و در مقابل عرضه انرژی خودشان را در آینده تضمین کنند، بهره بگیریم. البته کره‌جنوبی و ژاپن هم پتانسیل این نوع همکاری را دارند ولی واقعا به نظر می‌آید فرصت کم باشد و باید حداقل در چهار سال آینده زمینه‌های این کار فراهم شود.

شما از هند به‌عنوان مهم‌ترین مقصد یاد کردید. این در حالی است که اکنون با هند در مورد میدان فرزاد B به مشکل برخورده‌ایم و این کشور تصمیم به کم‌کردن خرید نفت از ایران دارد. این روند ایجاد مشکل نمی‌کند؟

اینکه انتظار داشته باشیم فقط وزارت نفت مشکلات ما را با هند حل‌وفصل کند درست نیست. وزارت نفت چاره‌ای جز این ندارد که درباره آن پروژه خاص، تلاش کند بهترین شرایط را برای شرکت نفت به دست بیاورد. اما حرف من این است که رابطه ایران و هند به خاطر عواملی مانند رشد اقتصادی، مصرف نفت و میزان تقاضا و... آن‌قدر برای ما مهم است که وقتی این مسائل را در سطح ملی در نظر بگیریم، باید این مشکل را حل‌وفصل کنیم. باید رابطه استراتژیک باشد که بتوان در چارچوب آن نوع مشکلات را حل کرد.

یعنی پای حاکمیت به میان بیاید که منجر به پذیرش رقم اعلامی از سوی هند شود؟

وقتی روابط استراتژیک باشد، در آن سطح مشکلات حل خواهد شد و قرار نیست تصمیمی یک‌طرفه گرفته شود. نه اینکه فقط ایران کوتاه بیاید، طبیعی است در مقابل دادن یک امتیاز، امتیاز هم‌تراز از طرف مقابل گرفته می‌شود. گسترش روابط دو کشور به سطح استراتژیک می‌تواند برای هر دو کشور منافع بلندمدت داشته باشد. این کار وقتی مسائل را از جنبه منافع بخشی خارج کنیم، شدنی است. البته برای همه این نوع روابط که بخواهیم برقرار کنیم مخالفت‌هایی وجود دارد.

مخالفت از جانب چه کسانی؟

اگر ایران بخواهد رابطه‌اش را با یکی از این کشورها به‌صورت استراتژیک دربیاورد حتما مخالفت‌هایی در داخل و خارج خواهد بود که طبیعی است. اما منافع ملی اصل است. ممکن است بعضی از همسایگان ما به دلایل خاص خودشان مخالف این نوع روابط ایران با کشور مهم اقتصادی دنیا باشند درحالی‌که تنها ملاک ما در برقراری این نوع روابط منافع ملی باید باشد. با توجه به شرایط خاصی که ایران دارد و فرصت‌هایی که مثل ابر می‌آید و می‌رود باید از این فرصت‌ها استفاده کرد. این حرف‌ها شعار و ایده‌آل نیست، نمونه‌هایش در سطح دنیا اتفاق افتاده. خیلی چیزها را می‌توانیم از چینی‌ها یاد بگیریم؛ آنها توانستند سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کنند و هندی‌ها هم این مسیر را می‌روند. این کار شدنی است اما اگر فقط بخشی نگاه کنیم خیلی پیشرفت نخواهیم کرد.

عربستان، روسیه و آمریکا روی بازار نفت اثرگذار هستند. در آینده شاهد تحریک خاصی از سوی این کشورها خواهیم بود و تأثیری بر بازار نفت خواهد گذاشت؟

این سه کشور یک مورد مشترک دارند؛ آنها بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت دنیا هستند، اما تفاوت‌های زیادی هم با هم دارند. مثلا آمریکا در عین حال که تولیدکننده بزرگی است و صنعت فعلی نفت دنیا محل ظهورش آمریکا بوده و اکنون هم شیل‌اویل را با به‌کارگیری تکنولوژی جدید عرضه به بازار عرضه می‌کند، مصرف‌کننده بزرگی است. بعد از اینکه شرایط تولید آمریکا بهتر شد، آنها کم‌کم صادرکننده هم شده‌اند اما به‌دلیل حجم فعالیت‌های اقتصادی و مصرف بسیار بالایی که در بخش حمل‌ونقل دارند، واردکننده بسیار بزرگی هم هستند. تأثیری که اینها در بازار دارند از نوع تأثیرات روسیه و عربستان متفاوت است. شرکت‌های آمریکایی برخلاف روسیه و عربستان از نظر سیاست‌گذاری منسجم نیستند و کسی نمی‌تواند به آنها اعلام کند که تولید را کم یا زیاد کنند. آنچه عامل حرکت آنهاست فقط سود است و مقررات حاکم بر فعالیتشان. روی‌کارآمدن ترامپ در آمریکا از بعد تغییر مقررات، تأثیرگذار خواهد بود، یعنی بسیاری از برنامه‌های دولت‌های قبلی خصوصا اوباما را او یا ملغی کرده یا درصدد انجام آن است. مخصوصا مواردی که در رابطه با حفاظت از محیط زیست بوده هدفشان را هم اعلام کرده‌اند که تولید انرژی ارزان، ایجاد کار صرف‌نظر از تأثیرات محیط زیستی است. به‌عنوان مثال ترامپ دنبال آن است که مقررات محدودکننده صنعت تولید زغال‌سنگ را که به‌دلیل اهمیت‌یافتن تولید گاز طبیعی کم‌کم به حاشیه رفته بود، به خاطر مسائل سیاسی و رأیی که ایالت‌های تولیدکننده زغال‌سنگ دارند، لغو کند و به افزایش توان سوخت‌های فسیلی مثل نفت، گاز و زغال‌سنگ به‌خصوص در مناطقی که قبلا ممنوع بوده کمک کند. این اقدام آمریکا البته زمان‌بر خواهد بود. مثلا بخشی از زمین‌های دولتی به‌ویژه در آب‌های فلات قاره‌ای که قبلا مجوز تولید نفت نداشتند را ترامپ در نظر دارد اجازه اکتشاف و تولید نفت و گاز برای آنها صادر کند. اگر تولید از این مناطق آغاز شود، در بازار نفت تأثیرگذار خواهد بود.

عکس: امیر جدیدی، شرق

این عوامل بازار را به صورت کلی به هم نمی‌ریزد؟

اینها احتمالاتی است که باید در نظر داشت. یعنی اگر قرار باشد تأثیرگذار باشد به خاطر تغییرات سیاستی است در نتیجه این‌طور نیست که شرکت‌های شیل‌اویل بتوانند دور هم جمع شده و تصمیم دسته‌جمعی برای کنترل میزان تولیدشان بگیرند. از طرفی آمریکا به دنبال این است که صادرات ال‌ان‌جی خود را زیاد کند. زمانی قرار بود آن کشور واردکننده ال‌ان‌جی باشد و اکنون در حال تبدیل به صادرکننده ال‌ان‌جی است. یکی از بازارهای هدفش هم چین است که ممکن است سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی را بیشتر به داخل ببرد و در خارج از کشورشان کمتر سرمایه‌گذاری کنند که این هم در بلندمدت می‌تواند در بازار نفت تأثیر بگذارد. یعنی آمریکا صنعت نفت و گاز و کل صنعت انرژی‌اش متأثر از تغییرات سیاستی است که ممکن است تا سال‌ها باقی بماند.

نقش روسیه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

روسیه کشوری است که منابع نفت و به‌ویژه گاز زیادی دارد و البته اگر به ذخایر نگاه کنیم میزان ذخایر نفت به‌مراتب کمتری از ما دارند اما تولیدشان از دو برابر ما هم بیشتر است که علتش خیلی هم پیچیده نیست. اینها قبل از فروپاشی حدود ۱۱ تا ۱۲،۵ میلیون بشکه در روز تولید می‌کردند البته با تکنولوژی بومی خودشان، چون روسیه کشوری است که به‌هرحال توان تکنولوژی قابل‌توجهی را دارد و مثلا سال‌هاست که هواپیمای مسافربری و جنگی پیشرفته تولید می‌کند و ایستگاه بین‌المللی فضایی را حتی در اختیار آمریکا قرار می‌دهد. اما بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و جداشدن کشورهای جمهوری آذربایجان و ترکمنستان تولید نفت آن کشور به دلیل بحران‌های پیش‌آمده به حدود شش میلیون بشکه در روز رسید و دوران خیلی بدی را داشتند. بعد از یلتسین، با روی‌کارآمدن آقای پوتین، سیستم کم‌کم خودش را جمع‌وجور کرد و اینها فهمیدند با وجودی که خودشان تکنولوژی‌های موفقی در سایر زمینه‌ها دارند، در مسئله نفت قادر نیستند همه کارها را خودشان انجام دهند. در نتیجه همکاری‌های خیلی نزدیکی را با شرکت‌های نفتی بزرگ بین‌المللی و شرکت‌های خدماتی بین‌المللی شروع کردند و در این مدت تولید نفت روسیه به حدود ۱۱ میلیون بشکه در روز رسیده، یعنی در این چند سال توانستند موقعیت ازدست‌رفته خودشان را دوباره احیا کنند. درباره گاز هم همین اتفاق افتاد و این کشور توانست با اتخاذ سیاست درست تبدیل به یکی از منابع اصلی تأمین نفت و گاز مخصوصا در اروپا شود. به‌عنوان نمونه روسیه برای اینکه بتواند خط لوله را از زیر دریای بالتیک بدون نیاز عبور از کشورهایی مانند اوکراین عبور دهد. آقای گرهارد شرودر، صدراعظم سابق آلمان، را به‌عنوان مدیر این برنامه استخدام کرد. البته خیلی‌ها آن زمان ایراد گرفتند که ایشان صدراعظم آلمان بوده و چطور ممکن است برای شرکت گاز روسیه کار کند اما وجود ایشان در عمل نشان داد که چقدر مؤثر بود. گفته می‌شود مشکلات حقوقی عبور خط لوله مذکور از آب‌های ساحلی فنلاند با توجه به ارتباط نزدیک آقای شرودر با مقامات آن کشور حل‌وفصل شد و اکنون این خط گاز روسیه را به نام نورداستریم مستقیما به آلمان می‌برد. یادم هست در افتتاحیه این خط لوله خانم مرکل و مدودف، رئیس‌جمهور وقت روسیه و آقای شرودر حضور داشتند. او اکنون مدیریت خط دوم را هم برعهده گرفته و با وجود تحریم‌ها عزم خود را برای عملی‌کردن آن جزم کرده است. خیلی از دولت‌های غربی در آن زمان و حتی امروز به ایشان حمله می‌کنند حتی در داخل خود آلمان که چگونه ایشان حاضر به همکاری با روسیه شده است. گرچه ایشان بسیار محکم در مقابل این انتقادات ایستاده است، اما به نظر می‌رسد زرنگی روس‌ها در این زمینه خیلی بیشتر بوده که توانسته‌اند چنین شخصیتی را برای همکاری جذب کنند. جالب‌تر اینکه اخیرا شرکت دولتی روسنفت روسیه که تولید نفتش حدود چهار میلیون بشکه در روز و خیلی شبیه شرکت ملی نفت ایران است، رسما اعلام کرد که آقای شرودر قرار است به‌عنوان عضو مستقل هیئت‌مدیره آن شرکت فعالیت کند و برخی گزارش‌ها از حقوق سالانه نیم میلیون‌دلاری ایشان برای انجام این مسئولیت حکایت دارند! تصور کنید شرکت ملی نفت ایران حتی بخواهد از افرادی نظیر ایشان مشاوره بگیرد که چه اعتراض‌هایی را می‌تواند باعث شود. اینکه مثلا آقای زنگنه تصمیم بگیرد از بین ایرانی‌های متخصص صاحب‌نام خارج از کشور برای هیئت‌مدیره شرکت ملی کمک بگیرد به نظر غیرقابل تصور است. البته گرفتن مشاوره یا سرمایه‌گذاری ایرانی‌های خارج از کشور به این معنی نیست که آنها صاحب پست و مقام دولتی در داخل شوند یا مسئولیتی حساس در داخل بر عهده بگیرند، بلکه استفاده از توان بالقوه مالی و علمی آنها در ساختن کشور است. اما احتمال این اتفاق به خاطر وجود مخالفت‌های زیاد در کشور در آینده نزدیک به نظر ناممکن می‌آید. هدف من از بیان تجربه روسیه در صنعت نفت و گاز و به کارگیری همه ابزارها از طرف آنها برای تأمین منافع ملی‌شان امری یادگرفتنی از سوی ماست. ممکن است برخی بگویند روسیه اکنون تحریم است، اما باید در نظر داشت که به علت برنامه‌ریزی‌هایی که روسیه در سال‌های اخیر برای تأمین نیاز انرژی اروپا انجام داده آن‌قدر اهمیت خود را از این نظر بالا برده که بیش از این نمی‌توانند این کشور را تحریم کنند. در تحریم ایران در سال ۲۰۱۱، اروپا واردات نفت خود را از ایران به صفر رساند، چون ما نقشی تعیین‌کننده در زمینه تأمین نفت اروپا نداشتیم و رقبای ما صراحتا آمادگی خود را برای جایگزین‌کردن نفت ایران اعلام کرده بودند، اما چنین کاری را با روسیه نمی‌توانند بکنند. اگر این امکان برایشان فراهم بود و به روسیه وابسته نبودند، این کار را می‌کردند. اما روسیه آن‌قدر توانایی‌اش را بالا برده و وابستگی متقابل ایجاد کرده بود که بلایی که در ۲۰۱۱ بر سر ایران آمد، برای این کشور تکرار نشد. در نتیجه اگر تولیدمان به حدی که ذخایرمان حکم می‌کند، برسد و در داخل هم بهینه‌سازی کنیم و روابط خود با دیگر کشورها را استراتژیک کنیم و شرکت‌ها بدانند وقتی پروژه‌ای بزرگ می‌سازند، قرار است نفت و گاز ضامن برگشت سرمایه‌شان باشد، دیگر امکان برگشت تحریم‌ها کم‌رنگ می‌شود.

عربستان همچنان نقش تاریخی خود را بازی خواهد کرد؟

شرایط عربستان هم که با دو کشور دیگر متفاوت است. این کشور کاملا وابسته به درآمد نفت است و برخلاف اینکه از دور به نظر می‌آید، شرکت آرامکو کاملا با سیستم آمریکایی اداره می‌شود حتی زبان انگلیسی در داخل آرامکو استفاده می‌شود. اندیشکده‌های بزرگ فنی و ژئوپلیتیکی و بازاریابی در آمریکا و جاهای دیگر وجود دارند و اینها اطلاعات را می‌دهند و این شرکت بر آن اساس حرکت می‌کند. خودم شاهد بودم که چطور از یک برهه به بعد توجه به بازار آسیا را در برنامه خودشان قرار دادند. هزینه می‌کنند و در مقابل درآمد دارند. نمی‌شود این کارها را نکرد و انتظار داشت شرکت نفت همیشه منبع تخم طلا باشد. ما متأسفانه در سال‌های اخیر به جای تقویت شرکت نفت آن را در چنبره مشکلات عدیده گرفتار کرده‌ایم. تا جایی‌که تا یک سال بعد از برجام آقای زنگنه و همکارانشان در نفت سعی داشتند ثابت کنند که قرارداد جدید نفتی در راستای منافع ملی است و این تأخیر طولانی باعث ازدست‌رفتن بسیاری از فرصت‌ها شد. در نتیجه عربستان کشوری تأثیرگذار در بازار نفت است. گرچه آنها هم احساس کرده‌اند این سطح وابستگی به نفت خطرناک است و برنامه متنوع‌سازی اقتصادشان برای سال ۲۰۳۰ را شروع کرده‌اند که به اقتصاد کمتر وابسته به نفت برسند. ما هم باید نقش خودمان را ایفا کنیم و با استفاده از توانایی‌های داخلی خصوصا نیروی انسانی مستعد و سرمایه خارج از کشور را به کار بگیریم. مهم‌تر اینکه در داخل به جمع‌بندی برسیم که اگر قرار است منافع ملی ما تأمین شود و جواب‌گوی مسائل عدیده‌ای که داریم ازجمله آب، محیط زیست، آلودگی هوا و بی‌کاری جوانان باشیم، نفت، گاز و معادن که برایشان در دنیا هنوز تقاضا وجود دارد، می‌تواند نقش تسهیل‌کننده روابط اقتصادی بین‌المللی را بازی کند و از این طریق می‌توانیم روابط استراتژیک را با کشورهایی که مایل هستند برقرار کنیم.

آیا ایران تأثیر شاخصی در بازار نفت خواهد داشت؟

ایران کشوری است که با توجه به سطح صادرات و سابقه و ذخایرش، کمابیش این نقش‌آفرینی را انجام می‌دهد. اما دوران تحریم نشان داد موقعیت ما شکننده است و باید موقعیت‌مان را تقویت کنیم، البته به شرطی که یک عده از جایی مشغول سوراخ‌کردن کشتی نباشند چراکه دراین‌صورت همگی با هم غرق خواهیم شد، تمام زمینه‌ها فراهم است. در این صورت منافع همه تأمین خواهد شد و نفت می‌تواند نقش تاریخی‌اش را بازی کند.

ادامه از صفحه ۵

زنجیره ارزش و عرضه محصولات

بنابراین زنجیره عرضه کارآمد محصولات کشاورزی می‌تواند نقش کلیدی در کاهش فقر و امنیت غذایی در کشورهای در حال توسعه جهان بازی کند (یونیدو، ۲۰۰۹).از طرف دیگر در کشورهای در حال توسعه، با دیدگاه سنتی بخش قابل‌توجهی از بودجه ملی به حمایت از نهادهای کشاورزی -در درجه اول بذر، کود و سیستم‌های آبیاری-تخصیص داده می‌شود درحالی‌که به زنجیره عرضه یعنی مسیر رسیدن محصولات به مصرف‌کننده نهایی توجه نشده و حمایت منطقی صورت نمی‌گیرد. این در حالی است که زنجیره عرضه محصولات کشاورزی پتانسیل ذاتی و بالقوه برای توسعه فرصت‌های شغلی و ایجاد ارزش‌افزوده را دارد. آمار و ارقام از نقطه ضعف کشورهای در حال توسعه در ایجاد ارزش‌افزوده محصولات اولیه کشاورزی خود نشان دارد. در کشورهایی با درآمد بالا حدود ۱۸۵ دلار آمریکا از هر تن محصولات کشاورزی از طریق فراوری حاصل می‌شود که این رقم برای کشورهای در حال توسعه حدود ۴۰ دلار است. در کشورهایی با درآمد بالا ۹۸ درصد از تولیدات کشاورزی وارد فرایند صنایع فراوری شده درحالی‌که در کشورهای در حال توسعه نزدیک به ۳۸ درصد وارد این فرایند می‌شوند. این داده‌ها نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه زنجیره عرضه محصولات کشاورزی می‌تواند به توسعه بخش کشاورزی کمک کند (یونیدو، ۲۰۰۹). از سوی دیگر زنجیره عرضه با فراهم‌سازی غذا با قیمت و کیفیت مناسب، امنیت غذایی را نیز به همراه دارد. توجه به همه جهات منافع اقتصادی و اجتماعی زنجیره عرضه از قبیل کارایی و رقابت‌پذیری، خلق ارزش‌افزوده، ایجاد اشتغال، کاهش هزینه‌های عملیاتی، بهبود عملکرد و بهره‌وری مطالعات گسترده‌ای را در ادبیات موضوع اقتصاد کشاورزی به خود اختصاص داده است. به دلیل اهمیت زنجیره ارزش و عرضه در بخش کشاورزی برای ایجاد و ساماندهی آن، کمک‌های مالی مختلفی به بازیگران مختلف زنجیره عرضه و ارزش هر محصول می‌شود. برای نمونه در کشور هندوستان، به منظور توسعه کشت ذرت، دولت به یکی از حلقه‌های زنجیره ارزش در ایالت اویسه هزینه کود را بازپرداخت می‌کند که حدود ۴۵ هزار کشاورز ذرت‌کار از آن بهره‌مند می‌شوند. بقیه بازیگران زنجیره ارزش از جمله تجار و حمل‌ونقل‌کنندگان و فراوری‌کنندگان نیز از حمایت‌های مالی برخوردار می‌شوند.